



# کمی‌سازی و استانداردسازی ارزشیابی برنامه‌ها دورادینو

پروفسور، مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

● دکتر حسن خجسته

معاون رئیس سازمان صداوسیما در حوزه صدا

استفاده کرد که در علوم دیگر آزمایش شده است؛ یعنی پدیده‌های اجتماعی را حتی‌الامکان دقیق مشاهده کرد و یادداشت‌های مشاهده را به کمک نظریه‌ها تبیین و تحلیل کرد. کتله این اعتراض را که وقایع اجتماعی نوعاً متفاوت از وقایع طبیعی‌اند، وارد نمی‌دانست. آیا داده‌های

داده‌های آماری قابل توجهی مربوط به مقوله‌های گوناگون پدیده‌های اجتماعی (اطلاعاتی درباره تحول جنایت و نیز داده‌هایی که ما امروز آنها را باعنوان جمعیت‌شناسی طبقه‌بندی می‌کنیم) را جمع‌آوری کرده بود. نظر کتله این بود که برای ساختن یک علم، باید از روشی

کمی‌سازی در علوم اجتماعی را باید به آدولف کتله (Adolph Quetlet) نسبت داد. در سال ۱۸۳۵ کتابی با عنوان *درباره انسان و توسعه استعدادها* یا *مباحث فیزیک اجتماعی* از او منتشر شد و بعداً در تجدید چاپ سال ۱۸۶۹، عنوان اصلی آن به *فیزیک اجتماعی* تغییر کرد. کتله در این کتاب

آماري مثلا مربوط به پديده‌هاي جنائت، همان نوع نظمي را آشكار نمي‌کنند که مي‌توان در داده‌هاي آماری مربوط به علوم طبيعت مشاهده کرد؟ (بودون، ۱۳۶۹: ۳)

گرايش به کمی‌سازي امور کيفي پديده‌اي برخاسته از رواج سيانتيسم و علم‌گرایی بعد از رنسانس است. برای اولین بار در سال ۱۷۹۲ در دانشگاه کمبریج، براساس پيشنهاد یک استاد به نام ویلیام فاریش (William Farish) انشا و نوشته‌هاي دانشجويان را با نمره ارزیابی کردند. اگرچه در مورد این شخص اطلاعات زیادی در دست نیست و جز معدودی افراد کسی درباره او چیزی نشنیده است، با این همه، پيشهاد او برای تعیین مقدار کمی قدرت تفکر انسانی، گام تعیین‌کننده‌اي برای ساختار جدیدی از مفاهيم ریاضی شد و به ریاضیات و معیارهای آن مفهوم و تصویری دیگر بخشید. (پستمن، ۱۳۷۵: ۳۵)

این روش نزد اغلب ما امری طبیعی می‌نماید، به طوری که هرگز درباره ماهیت آن نمی‌اندیشیم و از معناهای ضمنی و پنهان آن غافل هستیم. اگر در سیستم نمره-گذاری و ارزشیابی فایده و ارزشی می‌بینیم، صرفاً بدان دلیل است که تفکرات و تخیلات ما در اثر فناوری اعداد آن‌چنان تغییر یافته است که برداشت ما از این دنیا کاملاً با افرادی که در زمانهای گذشته از این شیوه و فناوری استفاده نمی‌کردند، متفاوت است. هرچند این بحثی است در ماهیت و فلسفه این روش که در حوزه فلسفه علم و معرفت‌شناسی به آن پرداخته می‌شود، ولی باید اذعان کرد که امروزه شیوه کمی‌سازي و تبدیل امور کيفي به امور کمی و قابل مشاهده و اندازه‌گیری، یک امر معمول و بسیار مرسوم و شاید تا حدی غیرقابل اجتناب باشد.

در پژوهشهای حوزه علوم انسانی معمولاً سر و کار محقق با صفات و متغیرهایی است که مستقیماً قابل اندازه‌گیری نیستند؛ مانند ارزش هنری یک شعر یا یک تراژدی و یا اینکه اندازه‌گیری مستقیم آنها مستلزم هزینه‌های گزاف و صرف وقت فراوان است؛ مانند وضع اقتصادی و فرهنگی یک منطقه. در چنین مواردی معمولاً از «سنجه»ها و «مقیاس»هایی استفاده می‌شود تا بتواند صفت یا متغیر موردنظر را ارزیابی کند و در مرحله بعد وزن و اندازه هر سنجه در مقایسه با دیگر مقیاسها و سنجه‌ها و همچنین در مقایسه با کل آنها مشخص می‌شود، تا یک متغیر از طریق میزان ویژگیهای آن اندازه‌گیری شود.

### کمی‌سازي ارزیابی برنامه‌های رادیویی

شاید بتوان گفت اولین قدم کمی-سازي برای ارزیابی برنامه‌های رادیو در سال ۱۳۷۴ در شبکه رادیویی استان تهران برداشته شد و همزمان در اداره کل رادیو مراکز<sup>(۱)</sup> مکتوبی درباره شیوه‌های ارزیابی و اصول آن منتشر شد. امروزه در اکثر شبکه‌ها سه نوع ارزیابی صورت می‌گیرد:

- در داخل گروه‌های برنامه‌ساز که به کیفیت محتوای برنامه توجه می‌شود

- در قسمت تولید هر شبکه است که بیشتر به ساختار و فرم برنامه و نحوه کاربرد موسیقی و چگونگی بهره‌مندی تهیه‌کننده از دیگر عوامل تولید دخیل در برنامه می‌پردازد. (اگرچه تفکیک محتوا از فرم و فرم از محتوا چندان مقدور نیست، ولی در حال حاضر به دلیل اینکه مسئولیتهای مختلف برنامه به دو قسمت متمایز رادیو واگذار شده است، این نحوه ارزیابی اجتناب‌ناپذیر است. این ارزیابیها برای اصلاح برنامه‌ها و آموزش

برنامه‌سازان است.)

- و در آخرین مرحله ارزیابی که در سطح شبکه صورت می‌گیرد و کمیته ارزشیابی برنامه‌های شبکه، مسئول این کار است. فرم و محتوا یا ساختار و محتوا توأماً ارزیابی می‌شوند و حسب نتایج آن، مدیر شبکه تصمیم‌گیری می‌کند. البته قابل توجه است که ارزیابیها در شبکه‌های مختلف و همچنین در گروه‌های هر شبکه یا در بخش تولید هر شبکه، در یک سطح نیست. حتی بعضی از گروه‌ها هنوز به دلیل ضعف‌های مدیریتی یا ساختار گروه نتوانسته‌اند ارزیابیهای خوب و موثری انجام دهند.

ارزشیابی‌هایی که در سطح شبکه-یعنی در کمیته ارزشیابی شبکه- صورت می‌گیرد، به‌طور جدی تری متکی به نظامی است که سنجه‌ها و معیارهای آن به‌طور مختلف استخراج شده و برای هر کدام وزنی لحاظ شده است. اعضای کمیته یا داوران، نظرات خود را در فرم‌هایی که بر این اساس تهیه شده، اعلام می‌کنند و جمع‌بندی و معدل‌گیری امتیازات داوران، در تعداد امتیاز عوامل برنامه‌ساز و یا میزان امتیاز اکتسابی برنامه خواهد بود. آنچه در این‌جا قابل توجه و بررسی است، تفاوتی است که در مقیاسها و معیارهای ارزشیابی شبکه‌ها وجود دارد. توجه به این تمایزها و تفاوتها می‌تواند دیدگاه‌های کارشناسان هر شبکه را بر روی اهمیت عناصر هر برنامه و درجه آن نمایان سازد. این تفاوت‌های اساسی عبارتند از:

- تفاوت سنجه‌های مربوط به هر عنصر «برنامه» در میان شبکه‌های مختلف

- تفاوت وزن یا میزان ارزش هر سنجه در نظام و سیستم ارزیابی شبکه.

در ارزشیابی هر برنامه به چند عنصر مهم و اساسی توجه شده است که عبارتند از:

- تهیه کنندگی
- سردبیری
- نویسندگی
- گویندگی و اجرا
- گزارشگری
- صدابرداری

برنامه‌ها؛ یعنی: سردبیری، تهیه کنندگی، نویسندگی، گزارشگری، گویندگی، اجرا و صدابرداری) هریک از عناصر این ماتریس  $V_t$ ، از رابطه زیر به دست می‌آیند: (i یکی از شاخصهای موثر در فرآوری t می‌باشد).

$$V_t = \frac{a_i q_i}{q_i}$$



در شبکه‌های مختلف وزن هر کدام از اینها با یکدیگر تفاوت دارد. البته باید اذعان کرد که تعیین معیارهای ارزشیابی برنامه‌ها در یک روند متعالی اصلاحی قرار دارد. طی سه سال اخیر پیشنهادات تکمیلی و یا اصلاحی موجب بروز تغییراتی در فرمهای ارزشیابی از برنامه‌ها شده است. اگر فرمهای سال ۱۳۷۹ را که در شبکه‌ها اعمال می‌شده‌اند، بررسی کنیم، ضمن اینکه پاسخ سوالهای مطرح شده قبلی برای ما روشن می‌شوند، دیدگاه کارشناسان و مدیران شبکه‌ها به برنامه‌ها، یا نوع توجهی که در مقایسه با دیگر شبکه‌ها به هر یک از عناصر اصلی برنامه‌ها دارند، مشخص خواهد شد.

#### رادیو سراسری

رادیو سراسری در یک شاخص‌سازی بیست و چهارگانه، وزن هر شاخص را از ۱ تا ۴ تعیین کرده است. ضمن اینکه چون تهیه کنندگی و سردبیری را با هم مورد توجه قرار داده، لذا در هر برنامه به پنج عنصر اصلی پرداخته که مجموع ضریب وزنی آنها را ۲۵ تعیین کرده است.

در این ارزشیابی، ارزش هر یک از پنج جزء اصلی برنامه‌ای، میانگین وزنی شاخصهای موثر در فرآوری همان جزء است؛ یعنی اگر ارزشهای اجزاء پنج‌گانه را در قالب ماتریس یک‌بعدی  $V_t$  نمایش دهیم (t برای اشاره به اجزای اصلی پنج‌گانه

ضرایب وزنی ویژه‌ای منظور شده است که در ماتریس یک بعدی P نمایش داده شده است  $P_t$  نمایشگر ضریب وزنی جزء i ام می‌باشد). این ضرایب به شرح زیر است:

- سردبیری و تهیه کنندگی: ضریب ۳
- نویسندگی: ضریب ۱
- گزارشگری: ضریب ۱

- گویندگی و اجرا: ضریب ۱

- صدابرداری: ضریب ۱

با بهره‌گیری از ماتریسهای V و P می‌توان ارزش کلی برنامه (E) را با محاسبه میانگین وزنی ارزشهای اجزاء پنج‌گانه به دست آورد. t یکی از اجزاء اصلی برنامه است:

$$E = \frac{V_t P_t}{P_t}$$

این شبکه در شغل نویسندگی، به شرح زیر به ارزیابی پرداخته است:

- رعایت آداب نگارش رادیویی: ۲ امتیاز
- شیوه طرح و پرداخت موضوع: ۲ امتیاز

- ارزش‌گذاری بر محتوای محتوا: ۳ امتیاز  
که در مجموع ۷ امتیاز است.

#### رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ از پنج جزء اصلی برنامه در فرمهای ارزشیابی نام برده است که این پنج جزء عبارتند از: سردبیر، تهیه‌کننده، نویسنده، کارشناس، مجری و گزارشگر. بنابراین سردبیری و تهیه‌کنندگی را با توجه به تفکیک این وظایف در آن زمان در اکثر رادیوها، از یکدیگر جدا کرده، ولی صدابرداری را در ضمن کار تهیه‌کنندگی ارزیابی می‌کند. رادیو تهران از شش جزء اصلی برنامه در فرمهای ارزشیابی نام برده است؛ یعنی پنج جزء

بی‌توجهی به چارچوب یا تعیین چارچوب جامع و مانع برای تدوین شاخصها موجب شده است که شاخصهای اکثر مشاغل رادیویی نتواند نقش هر فرد را در اجرای شغل خود در ارتباط با بایدها و نبایدهای این چارچوب به خوبی روشن کند. از این جهت لزوم تغییر و اصلاح معیارها و شاخصهای ارزشیابی کاملاً مشهود است.

با داشتن ماتریس V، (در بردارنده ارزش پنج جزء اصلی برنامه‌ای) می‌توان ارزش کل برنامه را که برآیندی از ارزش اجزاء پنج‌گانه آن است، به دست آورد. از طرفی، چون نقش اجزاء پنج‌گانه و اهمیت هریک از آنها در حصول کیفیت برنامه‌ای یکسان نیست، لذا برای این پنج جزء

موردنظر رادیو فرهنگ، به علاوه صدابرداری. سایر رادیوها هم به همین شش جزء اصلی توجه کرده‌اند. به دلیل اینکه از ابتدا دو شغل سردبیری و تهیه‌کنندگی در رادیو ورزش ادغام شده بود، همانند رادیو سراسری با هم تحت یک عنوان در فرمهای ارزیابی از عنوان تهیه‌کننده و سردبیر نام می‌برد، اما بخش جدیدی که به اجزاء اصلی برنامه‌ها اضافه



مشاغل هر برنامه را در سه گروه عمده شاخص‌سازی و وزن‌دهی کرده است که عبارتند از:

- شاخصهای فنی با مجموع ۱۵ امتیاز که در این مجموعه هم به کار صدابردار پرداخته می‌شود و هم به نوع و نحوه به-کارگیری افکت در برنامه‌ها که از وظایف تهیه‌کننده است، توجه شده است.  
- شاخصهای محتوایی که به وظایف

**آنچه که از رفتار گوینده در ارتباط با برنامه قابل اندازه‌گیری است، چگونگی اجرای برنامه و کیفیت صدای گوینده، تسلط بر متن، قدرت بداهه‌گویی و شاخصهای دیگری نظیر اینها است که امتیاز او را در برنامه مشخص می‌کند.**

سردبیری، نویسندگی و گزارشگری می‌پردازد. امتیاز این شاخص، عدد ۵۰ تعیین شده است.

- شاخصهای شکلی که در آن به وظایف تهیه‌کنندگی و گویندگی و بخشی از وظایف نویسندگی توجه شده است. مجموع امتیاز این شاخص، عدد ۳۵ است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، رادیو معارف نویسندگی را در مجموع شاخصهای محتوایی و شاخصهای شکلی همراه با وظایف سردبیران و تهیه‌کنندگان لحاظ کرده است.

کرده و مورد ارزیابی قرار داده است، کارشناس یا مفسر در برنامه‌ها است که این عنصر نیز به دلیل حضور تقریباً دائم این افراد در برنامه‌های رادیو ورزش، انتخاب صحیحی است.

به‌طور کلی در ارزشیابی رادیو فرهنگ، وزن تهیه‌کنندگی ۲۰، گویندگی ۱۵، گزارشگری ۱۵، نویسندگی ۱۵، سردبیری ۲۵ و صدابرداری ۱۰ تعیین شده است.

#### رادیو معارف

رادیو معارف شش جزء اصلی یا

#### رادیو قرآن

رادیو قرآن در یک تقسیم‌بندی برنامه‌های ساده، ترکیبی با گزارش و ترکیبی بدون گزارش امتیازات متفاوتی برای مشاغل مختلف قائل شده است. برای مثال در برنامه‌های ترکیبی بدون گزارش امتیاز سردبیری ۳۳، نویسندگی ۱۸، تهیه‌کنندگی ۲۲، گویندگی و اجرا ۲۲ و صدابرداری ۵ تعیین شده است.

به‌طور کلی رادیو قرآن، معیارها و امتیازاتی مشابه با رادیو تهران انتخاب کرده است.

#### رادیو تهران

رادیو تهران از مجموع ۱۰۰ امتیاز برای هر برنامه، به سردبیری ۲۵، نویسندگی ۱۵، تهیه‌کنندگی ۲۰، نویسندگی ۱۵، گزارشگری ۱۵ و صدابرداری ۱۰ امتیاز داده است.

تفاوت دیگری که در شیوه ارزشیابیها وجود دارد، عبارت است از: معیارهای مورد توجه برای کیفیت هر جزء اصلی و وزنی که برای آن در هر شبکه قائل شده‌اند؛ به‌طور کلی در رادیو تهران معیارها و امتیازات نویسندگی به این ترتیب است:

- ابداع و نوآوری در طرح موضوع برنامه: ۳ امتیاز

- صحت مطالب با توجه به منابع و مبانی تحقیق: ۲ امتیاز

- شیوه پرداخت و به‌کارگیری زبان مناسب با موضوع انتخاب شده: ۴ امتیاز

- انسجام متن: ۲ امتیاز

- رعایت اصول و قواعد زبان فارسی:

۲ امتیاز

- رعایت ایجاز و روان‌نویسی: ۲ امتیاز

جمعا ۱۵ امتیاز.

#### رادیو ورزش

به دلیل اینکه از ابتدا دو شغل سردبیری و تهیه‌کنندگی در رادیو ورزش ادغام شده

بود، همانند رادیو سراسری با هم تحت یک عنوان در فرمهای ارزیابی از عنوان تهیه کننده و سردبیر نام می برد، اما بخش جدیدی که به اجزاء اصلی برنامه ها اضافه کرده و مورد ارزیابی قرار داده است، کارشناس یا مفسر در برنامه ها است که این عنصر نیز به دلیل حضور تقریباً دائم این افراد در برنامه های رادیو ورزش، انتخاب صحیحی است.

در رادیو ورزش با تعیین وزن مساوی برای هر عنصر برنامه ساز، یعنی سقف امتیاز ۱۰۰ برای هر کدام نحوه دیگری از ارزیابی را دنبال می کند که شاید با این روش نمی توان نتیجه نهایی ارزیابی برنامه را به درستی محاسبه کرد.

معیارهای ارزیابی رادیو ورزش عبارتند از:

- ویژگیهای نگارش رادیویی (ساده - نویسی، کوتاه نویسی، زیبانویسی و...): ۴۰ امتیاز

- محتوای مطالب (موضوعات و مفاهیم و کیفیت ارائه آنها): ۶۰ امتیاز  
جمعا ۱۰۰ امتیاز.

## استانداردسازی و چارچوبهای

### مفهومی آن

تفاوتهای فراوانی که در شیوه های ارزشیابی و سنجه های هر بخش و میزان امتیازات آنها وجود دارد، فقط حاکی از نگاه متفاوت یا درک متفاوت هر شبکه از عوامل کیفیت بخش برنامه ها نیست، بلکه ممکن است بیان گر نقص اعتبار (Validity)<sup>(۲)</sup> و روایی (Reliability)<sup>(۳)</sup> در ارزشیابی نیز باشد؛ یعنی سنجه های تعیین شده، برای اینکه همه وجوه لازم یک عنصر را ارزیابی کنند، ناقص و ناکافی هستند و یا اینکه وزن و امتیاز سنجه ها نادرست است و به خوبی میان عناصر اصلی توزیع نشده اند. برای استانداردسازی باید به دو وجه کار توجه

شود:

- استاندارد کردن جمع آوری اطلاعات  
- استاندارد کردن تجزیه و تحلیل داده های موجود.

چرا جمع آوری اطلاعات باید استاندارد شود؟ در پاسخ باید گفت، اگر بپذیریم اصول برنامه سازی رادیو در شبکه های مختلف اصول یگانه و واحدی است که همه شبکه ها تحت تاثیر آن هستند، لذا می توان بر این اساس سنجه های واحدی

## اگر در سیستم نمره گذاری و

### ارزشیابی فایده و ارزشی

می بینیم، صرفاً بدان دلیل است

که تفکرات و تخیلات مادر اثر

فناوری اعداد آن چنان تغییر

یافته است که برداشت ما از این

دنیا کاملاً با افرادی که در

زمانهای گذشته از این شیوه و

فناوری استفاده نمی کردند،

متفاوت است.

شود. همچنین اگر به وظایف گویندگی، گزارشگری یا سایر عوامل هر برنامه نگاه کنیم، اصول یگانه ای را بر کار آنها حاکم می بینیم. قطعاً گوینده رادیو قرآن باید در اجرا، ضرورت های این شبکه را مراعات کند و گوینده شبکه دیگر (مثلاً رادیو جوان)، لازم است ضرورت های آن شبکه و برنامه های آن را در نظر بگیرد. همچنین سایر مشاغل برنامه سازی نیز تابع این اصل هستند. بنابراین می توان برای مجموعه شبکه ها نظام ارزشیابی واحدی تدوین کرد که از معیارها و سنجه های استاندارد شده ای برخوردار است.

شاید برخی مهم ترین تفاوت میان شبکه ها یا برنامه ها را استفاده کردن یا استفاده نکردن از موسیقی بدانند، که به نظر، این امر به اصول برنامه سازی و کار تهیه کننده لطمه ای وارد نمی کند؛ زیرا اگر تهیه کننده رادیو پیام، یا شبکه های دیگر از موسیقی در فواصل برنامه استفاده می کند، همان طور که این استفاده تابع قواعد خاصی است، در رادیو قرآن نیز هنگامی که در فواصل از ابتهالات و یا همخوانیها استفاده می کنند، کماکان همان اصول حاکم است؛ یعنی توجه به تناسب محتوا با موضوع و استفاده از آن و یا قطع و فید آن در زمان مجاز.

از طرفی برنامه ها مطابق طرحهای مصوب، هدفیابی را تعقیب می کنند که این هدفها و پیگیری آنها در چارچوب اصول و سیاستهای سازمان صداوسیما است. از این جهت توجه به طرح مصوب در ارزشیابی برنامه ها امری الزامی است، زیرا همواره تعدادی از برنامه های رادیویی به جهت مدت زمان طولانی، گاهی چند سال در جدول پخش برنامه ها حضور دارند. لذا ممکن است به مرور زمان به دلایل مختلف از جمله ضرورت های اجتماعی و یا تاثیر دیدگاههای برنامه سازان و مدیران از

برای همه برنامه ها لحاظ کرد. وقتی در هر برنامه ای بتوانیم اجزاء یا عناصر اصلی برنامه را مشخص کنیم، وظایف آنها نیز در هر برنامه مشخص است. تفاوت میان این اجزاء در برنامه های شبکه های مختلف، همانند تفاوت آنها در برنامه های یک شبکه است؛ مثلاً: وظایف تهیه کنندگی در رادیو فرهنگ با وظایف تهیه کنندگی در رادیو قرآن یکی است. تفاوتی که گاهی بین آنها مشاهده می شود، ناشی از نوع شبکه نیست، بلکه ناشی از نوع برنامه است که همین تفاوتها ممکن است در نحوه انجام وظیفه تهیه کنندگی میان برنامه های مختلف رادیو قرآن یا رادیو فرهنگ پیدا

هدفهای اولیه خود عدول کرده و هدفهای جدیدی را تعقیب کنند. البته این امر به خودی خود چیز بدی نیست، اما ممکن است این هدفها مبهم و پراکنده باشند و ارزشیابیایی که از برنامه صورت می‌گیرد بر مبنای هدفهای استنباطی داوران از محتوای برنامه انجام شوند. بنابراین در ارزشیابی باید معیارها و شاخصهایی مبنی بر انطباق برنامه با طرح مصوب و میزان توجه به هدفهای آن استخراج شده و وزن

شاید نامناسب‌ترین و احتمالاً ناموفق‌ترین برنامه خانواده در رادیو جوان باشد؛ زیرا مخاطب رادیو جوان، از منظر برنامه خانواده، افرادی هستند که در آستانه تشکیل خانواده و یا در سالهای اولیه زندگی مشترک قرار دارند. بنابراین مسائل آنها عموماً متفاوت از کسانی است که از مرزهای جوانی گذر کرده‌اند و نسل دوم خانواده را در کنار خویش می‌بینند. با یک نگاه روندی و برنامه‌ریزی به این دو گروه،

**توجه به طرح مصوب در ارزشیابی برنامه‌ها امری الزامی است، زیرا همواره تعدادی از برنامه‌های رادیویی چند سال در جدول پخش برنامه‌ها حضور دارند. لذا ممکن است به مرور زمان به دلایل مختلف از جمله ضرورت‌های اجتماعی و یا تاثیر دیدگاههای برنامه‌سازان و مدیران از هدفهای اولیه خود عدول کرده و هدفهای جدیدی را تعقیب کنند.**

و اندازه متناسب با آن تعیین شود، لذا طرح مصوب هر برنامه عنصر دیگری است که چارچوب معیارهای ارزشیابی را تعیین می‌کند.

علاوه بر این دو عنصر اصلی مفهومی ارزشیابی، یعنی اصول و سیاستهای سازمان و طرح مصوب هر برنامه و دیگری ویژگیهای هر شبکه، نقش تعیین‌کننده‌ای در کیفیت محتوا و ساختار برنامه‌ها دارد؛ برای مثال: برنامه‌ای را با رویکرد اجتماعی در دو رادیو سراسری و جوان در نظر بگیرید. ممکن است ساختار هر دو یکسان باشد، یعنی استفاده از کارشناس در برنامه مبنای اساس برنامه‌ریزی و برنامه‌سازی قرار گرفته باشد، اما در اینجا تفاوت اساسی محتوا و سوگیری آن باید در ارزشیابی مورد توجه قرار گیرد. از این جهت بهترین برنامه خانواده در رادیو سراسری

مخاطبان خانواده رادیو جوان را باید عموماً افرادی دانست که در حال برنامه‌ریزی و برداشتن قدمهای اولیه برای زندگی مشترک خود هستند و هنوز آثار برنامه‌ریزیهای خود را ندیده‌اند و یا هنوز نتایج آن‌قدر روشن نیست تا بتوانند آن را ارزشیابی کنند. ولی خانواده‌هایی که از مرز جوانی گذر کرده‌اند، چون نتایج زندگی و برنامه‌ریزیهای خود را عیناً مشاهده می‌کنند، ممکن است در پی تغییر، اصلاح و یا تایید و تکمیل مسیر زندگی خود باشند. جوانها چون در آغاز راه هستند، سینه‌های پر آرزو و دلی امیدوار دارند، اما بزرگسالان روحیه‌ای دیگر دارند. سی و ششمین آیه شریفه سوره محمد (ص)، تفاوت ویژگیهای روحی افراد را از کودکی تا زمان پیری به زیبایی توصیف می‌کند.<sup>(۴)</sup> به همین دلیل اگر برنامه خانواده رادیو

سراسری در شکل ایده‌آلش در سایر شبکه‌ها پخش شود، هیچ امتیازی برای آنها محسوب نمی‌شود، زیرا نه تنها بر مجموع مخاطبان رادیو افزوده نشده، بلکه اگر در سایر شبکه‌ها، آن وقت را به برنامه‌ای با هدفها و ویژگیهای آن شبکه اختصاص دهند، احتمال دارد مخاطبان دیگری با علایق متفاوت به جمع مخاطبان رادیو افزوده شوند و از برنامه پخش شده بهره مطلوبی عاید آنها شود. بنابراین سومین عنصری که محدوده و چارچوب ارزشیابی را مشخص می‌سازد، اهداف و ویژگیهای هر شبکه است که در طراحی معیارها و شاخصهای ارزشیابی برنامه‌ها توجه به آن لازم و ضروری است.

### بررسی معیارهای ارزشیابی فعلی برنامه‌ها

سه عنصر اصلی مفهومی ارزشیابی (اصول و سیاستهای سازمان، اهداف و محورهای طرح مصوب برنامه و ویژگیها و اهداف شبکه) می‌توانند از جهتی چارچوبی برای «اعتبار» معیارها و شاخصهای طراحی شده باشند، تا دریابیم آیا آنها می‌توانند به درستی یک برنامه را ارزشیابی کنند. برای مثال، شاخصهای ارزشیابی نویسندگی در شبکه‌های مختلف می‌توانند نمونه مناسبی برای تطبیق آنها با چارچوب مفروض باشند.

قبلاً در بررسی برخی تفاوت‌های شاخصهای ارزشیابی شبکه‌ها، برای نمونه به شاخصهای نویسندگی شبکه‌ها و وزن آنها در ارزشیابی هر شبکه اشاره شد. در اینجا به تناسب آنها و چارچوب ارزشیابی پرداخته می‌شود.

رادیو سراسری در آخرین فرم ارزشیابی خود، معیارهای نویسندگی را به شرح زیر تعیین کرده است:

## کیفیت کار نویسندگی در رادیو سراسری

در رادیو سراسری برای ارزیابی نویسندگی عواملی مورد توجه قرار می‌گیرد:

- رادیویی بودن نوشتار، جذابیت، ساده-نویسی و روان و رسا بودن متن
- رعایت قواعد دستور زبان
- انسجام ساختار متن و حفظ چارچوب موضوعی
- تناسب متن با مخاطب
- ارزش محتوایی و داشتن پشتوانه تحقیقی و استناد (ذکر منبع یا ماخذ).

برای هریک از معیارهای فوق، امتیازهایی با توجه به کیفیت در نظر گرفته شده است که عبارتند از:

خیلی ضعیف: ۱ تا ۴ امتیاز

ضعیف: ۵ تا ۸ امتیاز

متوسط: ۹ تا ۱۲ امتیاز

خوب: ۱۲ تا ۱۶ امتیاز

خیلی خوب: ۱۶ تا ۲۰ امتیاز

همان‌طور که در نگاه اول پیدا است، این معیارها به دو وجه چارچوبی؛ یعنی: اصول و سیاستهای سازمان و هدفهای برنامه، که در طرح مصوب برنامه مشخص می‌شود، عنایت چندانی نداشته‌اند. بنابراین می‌توان گفت در طراحی معیارها، حالتی از جزئی‌نگری حاکم است و تمرکز فقط بر روی آنچه وجود دارد و یا برنامه‌ای که تولید شده صورت گرفته است و از وجه کلی‌نگری که موجب کشف پیوندهای برنامه با تمام سیستم شبکه و هدفهای آن و سیستم سازمانی و هدفها و اصول آن می‌شود، برخوردار نیست. لذا نتیجه ارزیابی نمی‌تواند به حد کافی موجبات تکمیل و یا اصلاح کار نویسندگی را در جهت ارتقا برای دستیابی به هدفهای سازمانی فراهم نماید. همین‌طور اگر شاخصهای نویسندگی در رادیو تهران را بررسی کنیم، شاید نتیجه‌ای متفاوت به

دست نیاید.

## معیارهای ارزیابی نویسندگی در رادیو تهران

- ابداع و نوآوری در طرح موضوع
- برنامه: ۳ امتیاز
- صحت مطالب با توجه به منابع و مبانی تحقیق: ۲ امتیاز
- شیوه پرداخت و به‌کارگیری زبان مناسب با موضوع انتخاب‌شده: ۲ امتیاز
- انسجام متن: ۲ امتیاز
- رعایت اصول و قواعد زبان فارسی: ۵ امتیاز

## اگر ارزشیابی جامع بازحمات آن مورد

توجه قرار گیرد، رشد افراد در کنار

برنامه‌ها و اعتلای برنامه‌ها در کنار رشد

افراد محقق شده و حتی حرکت رو به

رشد یک برنامه یا یک فرد در یک برنامه،

موجب اعتلای یک جمع و ارتقای یک برنامه

خواهد شد.

شاخصها موجب شده است که شاخصهای اکثر مشاغل نتواند نقش هر فرد را در اجرای شغل خود در ارتباط با بایدها و نبایدهای این چارچوب به خوبی روشن کند. از این جهت لزوم تغییر و اصلاح معیارها و شاخصهای ارزشیابی کاملاً مشهود است.

## رویکردهای ارزشیابی در رادیو

آیا در ارزشیابیها فقط باید به حاصل و نتیجه فعالیت عناصر و عوامل برنامه‌ساز پرداخت و به آنچه که از گیرنده‌های رادیویی شنیده می‌شود بسنده کرد و به



قولی ارزشیابی محصول یا خروجی هر شبکه کافی است، یا اینکه باید به چگونگی کار افرادی که در تولید هر برنامه فعالیت دارند نیز توجه کرد و آن را ارزشیابی نمود؟ و یا می‌توان هر دو ارزشیابی را با هم انجام داد؟ آیا هدف سازمان، یا شبکه، یا برنامه مهم‌تر است یا هر جزء و عنصر در جای خود از درجه اهمیتی برخوردار است؟ از این جهت شاید بتوان دو رویکرد اساسی ارزشیابی برای رادیو تعیین کرد:

- رویکردهای ارزشیابی برنامه‌نگر

- رویکردهای ارزشیابی هدف‌نگر.

رویکردهای ارزشیابی هدف‌نگر در

تعقیب هدف خاصی در برنامه‌ها هستند. این رویکرد مختص ارزشیابی برنامه‌های رادیویی نیست، بلکه ممکن است اکثر سازمانها بر حسب شرایط از انواع آن استفاده کنند.

### رویکردهای ارزشیابی برنامه‌نگر و انواع آن

ارزشیابی برنامه‌ای: در این نوع ارزشیابی، یک برنامه با توجه به طرح مصوب آن ارزشیابی می‌شود. بنابراین نقش اصلی، بر عهده متن برنامه است که هدفهای برنامه و راههای وصول به آنها را پیگیری کرده و پیش می‌برد. اینکه آیا در متن، انسجام منطقی و ارتباط صحیحی میان مطالب وجود دارد یا خیر و اینکه در طرح موضوع و مسئله چه ابداع و ابتکاری به کار برده شده است، از مسائل قابل بررسی است.

وجه دیگری که باید به آن توجه کرد، نقش فرم و ساختار برنامه در تسهیل دستیابی به هدفها است. بنابراین در ارزشیابی می‌توان دو بخش را تفکیک کرد: یکی عنصر محتوایی (Content) و دیگری عنصر شکلی (Format).

در ارزشیابی برنامه‌ای، به‌طور طبیعی عنصر محتوایی اصل قرار می‌گیرد و عنصر شکلی که در رفتار گوینده، صدابردار و تهیه‌کننده متجلی است، نقش مکملی خواهد داشت.

ارزشیابی مشاغل تولید برنامه: در این ارزشیابی، برخلاف نوع قبلی، چگونگی فعالیت افراد در مشاغل برنامه در دستور کار قرار می‌گیرد و کیفیت متن و جهت‌گیریهای آن علی‌القاعده در سایه این نگاه داوران واقع می‌شود؛ محتوای برنامه براساس آنچه که در نوع اول گفته شد، در اینجا زمینه‌ای برای تشخیص نحوه فعالیت عناصر و عوامل دست‌اندرکار یک برنامه خواهد شد.

فرض کنید در ارزشیابی یک برنامه سیاسی یا معارفی، برنامه از استقبال چندانی در میان داوران برخوردار نباشد، اما در این ارزشیابی، گوینده یا صدابردار می‌تواند از رتبه بسیار خوبی برخوردار شوند. یا تهیه‌کننده (در صورتی که این وظیفه را از سردبیری جدا در نظر بگیریم) ممکن است از امتیاز بسیار خوبی برخوردار شود، اما حتما سردبیری و احتمالا گزارشگری فاقد امتیاز خواهند شد، زیرا ضعف اساسی برنامه ناشی از ضعف محتوایی است و نه عوامل دیگر برنامه. همچنین ممکن است محتوای برنامه بسیار خوب باشد؛ یعنی در ارزیابی



شکل ۱

مشاغل، فقط سردبیر و یا گزارشگر از امتیاز بسیار خوبی برخوردار شوند، ولی دیگر عوامل فاقد امتیاز مناسب باشند.

اگرچه ممکن است تصور این امر به-سختی صورت گیرد، که در یک برنامه اکثر عوامل دارای امتیاز بسیار خوبی شوند، اما برنامه مطلوب نباشد؛ اما این امر به‌ظاهر متناقض، حقیقی و واقعی بوده و بیان‌گر تاثیر مهم و اساسی «متن» برنامه بر نتیجه‌گیری است.

برخی انتقادهایی که به جشنواره رادیویی صورت می‌گرفت، نیز ناشی از همین امر بود، زیرا در جشنواره، ابتدا برنامه‌ها با یکدیگر مقایسه می‌شدند و در مرحله دوم از میان برنامه‌های منتخب، بهترین عوامل برنامه‌ساز تعیین می‌شدند. از این جهت همواره شکافی بین انتظارات

برنامه‌سازان رادیو و نتایج جشنواره قابل مشاهده بود. در زمان معرفی افراد منتخب مشاغل مختلف تولیدی، اعم از گوینده و تهیه‌کننده و... در واقع این شکاف ادراکی ناشی از تقابل نتایج دو رویکرد ارزشیابی بود که باعث می‌شد هیچ‌کدام بر دیگری برتری نداشته باشند، حال آنکه انتخاب هر رویکرد باید بر حسب هدفها و شرایط، مورد توجه قرار گیرد.

بنابراین می‌توان گفت در رویکرد دوم، ارزشیابی از نحوه اجرای فعالیت هر فرد در جایگاه خودش صورت می‌گیرد؛ مثلاً درباره گوینده، ممکن است وی نقش خود را به خوبی ایفا کند، اما محتوای برنامه بسیار ضعیف باشد. هرچند صادقانه باید اعتراف کرد که ضعف محتوا بر روی شناخت دقیق از کیفیت کار سایر عوامل، از جمله گوینده، تاثیر می‌گذارد، اما چون این امر قابل محاسبه نیست، لذا آنچه که از رفتار گوینده در ارتباط با برنامه قابل اندازه‌گیری است، چگونگی اجرای برنامه و کیفیت صدای گوینده، تسلط بر متن، قدرت بداهه‌گویی و شاخصهای دیگری نظیر اینها است که امتیاز او را در برنامه مشخص می‌کند.

در رویکرد ارزیابی مشاغل برنامه، نوع برنامه زمینه‌ای برای تعیین کیفیت کار عوامل برنامه‌ساز خواهد شد و لذا وزن و امتیاز محدودی در مقایسه با کار عوامل خواهد داشت.

ارزشیابی جامع: در این نوع ارزشیابی باید از شاخصها و سنجه‌های ترکیبی استفاده شود تا در ارزیابی بین برنامه و برنامه‌ساز ارتباط واقعی‌تری برقرار شود. در این ارزیابی، بهترین برنامه، برنامه‌ای است که حاصل جمع امتیازاتش در هر دو رویکرد بیشتر از سایر برنامه‌ها باشد.

برای اجرای این ارزشیابی چند شیوه می‌توان انتخاب کرد:



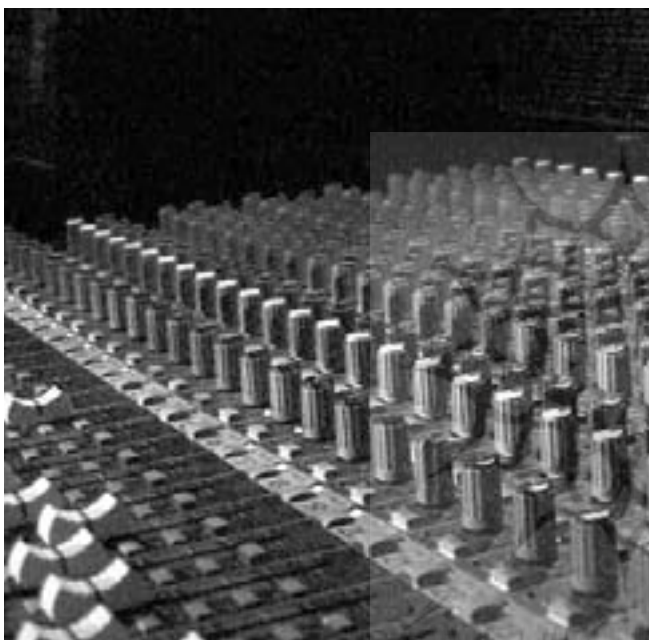
امتیازات هر برنامه در نوع اول ارزیابی با حاصل جمع امتیازات عوامل برنامه‌ساز در نوع دوم را جمع کرده و حاصل آن را با امتیازات دیگر برنامه‌ها مقایسه می‌کنیم و بدین ترتیب رده‌بندی برنامه‌ها حاصل خواهد شد و یا حد واقعی هر برنامه در رده‌بندی عالی تا ضعیف معلوم می‌شود. در این حالت باید دو بار ارزشیابی صورت گیرد که این کار خود دارای مشکلات متعددی به شرح زیر است:

- اثر هاله بازشنوایی مرحله اول و استنباط داوران بر ارزیابی آنها در مرحله دوم؛ در این صورت برای جلوگیری از این تاثیر، شاید بهتر باشد، هیئت دیگری مرحله دوم را ارزشیابی کند
- حجم زیاد برنامه‌ها و زمان و فرصت اندک برای تشکیل جلسات متعدد
- محدود بودن تعداد کارشناسان مناسب جهت شرکت در جلسات داوری در شبکه‌های مختلف رادیو
- در صورتی که سنجه‌ها از روایی کافی برخوردار نباشند، ممکن است هیئت دوم آرایبی کاملاً متفاوت از هیئت اول نسبت به ارزشیابی داشته باشد که موجب تضعیف جایگاه داوری در رادیو خواهد شد.

با توجه به مشکلات فوق در این نوع ارزشیابی باید شاخصهای برنامه در ارتباط با مشاغل و شاخصهای مشاغل در ارتباط با برنامه تنظیم شوند؛ برای مثال، اگر محتوا که عموماً متکی بر متن مکتوب و یا مباحث کارشناسی است، از امتیاز مطلوبی برخوردار نباشد، آیا تهیه‌کننده و گوینده عناصر منفعلی هستند، یا اینکه برای جبران ضعف محتوایی فعالیتهای تکنیکی دیگری انجام داده‌اند؟ اگر نویسندگی دارای ضعف است، سردبیر چه تلاشهای تکنیکی برای جبران این ضعفها به کار برده است؟ ممکن است تهیه‌کننده‌ای برای جبران ضعف محتوا، از سرود مناسبی در جهت تقویت

برنامه استفاده کرده باشد، در صورتی که می‌توانست در این فاصله از موسیقی بی‌کلام مرتبط با متن استفاده کند، اما این کار در برنامه یک انفعال است و استفاده از سرود مطلوب در جهت تقویت محتوا و جبران ضعف آن یک انتخاب فعالانه خواهد بود. یا اگر گزارشهای برنامه چندان مطلوب نیستند، گوینده برنامه چگونه ضعف این گزارشها را پوشش می‌دهد؛ یعنی بدیهه‌گوییهای گوینده در بررسی

عوامل تولید برنامه و ضلع دیگر نوع شبکه رادیو خواهد بود که تعامل میان آنها نوع شاخص و وزن آن را تعیین می‌کند. (شکل ۱) عوامل تولید برنامه، هدفهای طرح مصوب برنامه و نوع شبکه رادیو، سه ضلع برنامه‌سازی هستند که در صفحات قبل تا حدی درباره ویژگیهای هر یک از اینها بحث شد؛ در اینجا خاطرنشان می‌شود، رویکرد ارزشیابی جامع را از جهت دیگری نیز می‌توان مورد توجه قرار داد و به اهمیت اثر



**در ارزشیابی‌هایی که در سطح شبکه‌ها انجام می‌شود، اعضای کمیته یا داوران، نظرات خود را در فرمهایی که بر این اساس تهیه شده، اعلام می‌کنند و جمع‌بندی و معدل‌گیری امتیازات داوران، در تعداد امتیاز عوامل برنامه‌ساز و یا میزان امتیاز اکتسابی برنامه خواهد بود.**

بخش آن بیشتر واقف شد. همان‌طور که قبلاً مطرح شده است، اصول و مبانی ارزشیابی کیفیت چهارگانه است (خجسته، ۱۳۸۰) و ارزشیابی از کیفیت یک برنامه تولیدی زمانی ارزشیابی کاملی است که به چهار وجه در ارزشیابی توجه شود. این چهار وجه عبارتند از:

- نظرات کارشناسان و حرفه‌ایها
- نظرات سازمان و شبکه
- نظرات مخاطبان
- نظرات عوامل برنامه‌ساز درباره برنامه خودشان
- جمع‌آوری نظرات مخاطبان در سطح

شغل گویندگی در رویکرد دوم ارزشیابی مورد توجه است. در اینجا این بدیهه‌گوییها باید در جهت رفع نقایص برنامه و تقویت آن باشند. اگر بدیهه‌گوییها در جهت تقویت هدفهای برنامه نباشند، فاقد ارزش خواهند بود، یا اینکه حداقل ارزش و امتیاز ارزیابی را کسب می‌کنند.

در این رویکرد، حداکثر امتیاز هر برنامه مانند سایر رویکردها ۱۰۰ خواهد بود، ولی توزیع و توزین امتیاز، میان سنجه‌ها و شاخصها کاملاً متفاوت است و شاخصهای آن در میان مثلی قرار دارد که یک ضلع آن هدفهای طرح مصوب برنامه، ضلع دیگر

کشور برای ارزشیابی از هر برنامه کار بسیار وقت گیر و پرهزینه ای است. ضمن اینکه به دلیل نیاز به وقت زیاد و منابع مالی نسبتاً زیاد و مستمر، تقریباً برای اکثر برنامه‌ها قابل اجرا نیست. اما اگر رادیو بتواند پرسشنامه‌های مناسبی طراحی کند تا نظرهای عوامل برنامه‌سازی که برنامه‌های آنها ارزشیابی می‌شوند درباره برنامه خودشان معلوم شود، کاملاً قابل استفاده است. این نظرها باید سه زمان متفاوت را شامل شوند:

- نظر برنامه‌ساز قبل از اجرای برنامه  
- نظر برنامه‌ساز حین اجرای برنامه  
- نظر برنامه‌ساز بعد از اجرا (مخصوصاً اگر مدتی نیز از زمان پخش و اجرا سپری شده باشد. زیرا ممکن است در اصل تعامل با محیط حرفه‌ای تغییرات خاصی در نظر فرد، نسبت به برنامه خودش به وجود آمده باشد که بسیار حائز اهمیت است.)

- نظرات سازمان درباره برنامه؛ این نظرات شامل سه بخش کاملاً متمایز و از جزء به کل است:  
الف) گروهی که مسئولیت برنامه را به عهده داشته‌اند. که این نظرها به‌طور رسمی از طریق مدیر گروه اعلام می‌شوند.  
ب) شبکه رادیو، که شامل همه افرادی است که در شبکه فعالیت دارند، اما نظر شبکه را به‌طور رسمی باید از طریق مدیر شبکه شنید.

ج) نظرها در حد سازمان صداوسیما که از طریق گروه‌های کارشناسی، مدیران ارشد و رئیس سازمان به‌طور رسمی اعلام می‌شوند.  
در ارزشیابی با رویکرد سوم یا رویکرد جامع، چون تعامل سه عنصر مهم در نظر گرفته می‌شود و تا حد زیادی نظرات هیئت کارشناسان و حرفه‌ای‌های رادیو و نظرهای سازمانی را از طریق شبکه‌ها در

برمی‌گیرد، طبعاً نتایج آن به اهداف آرمانی ارزشیابی‌های کیفیت نزدیک‌تر است.

### رویکردهای ارزشیابی هدف‌نگر

این ارزشیابی مبتنی بر یکی از هدفهای شبکه (نه هدف برنامه) در ارائه برنامه است. هرچند ممکن است این هدف در برنامه نیز مورد نظر باشد، اما ممکن است هدف اصلی برنامه نباشد؛ برای مثال، ممکن است شبکه‌ای در اجرای استراتژی جذب مخاطب رادیو، برنامه‌ای را با هزینه خاصی تولید کند. هرچند در این برنامه مانند سایر برنامه‌ها هدفهای آموزشی و تربیتی، اطلاع‌رسانی و... وجود خواهد داشت، اما شبکه می‌تواند به هدفهای گفته شده در برنامه از طریق سایر برنامه‌ها نیز دسترسی پیدا کند. بنابراین می‌توان گفت فلسفه وجودی این برنامه در واقع جذب مخاطب جدید و بیشتر برای شبکه است. در این صورت رویکرد ارزشیابی شبکه نباید در مرحله اول رویکردهای قبلی باشد، بلکه در این حالت لازم است از رویکرد هزینه-سود استفاده کند و اینکه آیا مطابق هزینه‌ای که صورت گرفته است، برای شبکه مخاطب جدید جذب شده یا خیر؟ اگر پاسخ منفی باشد، بنابراین شبکه باید از ادامه این برنامه منصرف شود، مگر اینکه هدف جدیدی برای ادامه پخش برنامه به وجود بیاید و اگر در این نوع برنامه‌ها ارزیابی‌های سه‌گانه قبلی صورت گیرد، نتیجه هر چه باشد، در جای خود با ارزش است. اما اگر شبکه به هدف خود نرسیده باشد، معلوم می‌شود راه را صحیح انتخاب نکرده و زمان و منابع مالی خود را نیز در جای صحیحی سرمایه‌گذاری نکرده است.

این رویکرد بسیار به‌ندرت مورد استفاده واقع می‌شود، زیرا در میان رسانه‌ها، برنامه‌ها هدفهای مشترکی را تعقیب می‌کنند و لذا کمتر یک هدف مورد

توجه بوده، اما گاهی یک هدف نقش برجسته‌تری پیدا می‌کند.

به‌هرصورت، اگر ارزشیابی جامع با زحمات آن مورد توجه قرار گیرد، رشد افراد در کنار برنامه‌ها و اعتلای برنامه‌ها در کنار رشد افراد محقق شده و حتی حرکت رو به رشد یک برنامه یا یک فرد در یک برنامه، موجب اعتلای یک جمع و ارتقای یک برنامه خواهد شد.

### پاورقی:

- ۱- این اداره کل تا سال ۱۳۷۶ که مسئولیت پشتیبانی رادیوهای مراکز را به عهده داشت، جزء معاونت صدا بود و بعد از آن سال، به معاونت امور مجلس و استانها منتقل شد.
- ۲- منظور از اعتبار، میزان دقت شاخصها و معیارهای سنجش است.
- ۳- منظور از روایی، تکرار پذیری ابزار سنجش است.
- ۴- اِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ.

### منابع:

- بودون، ریمون. (۱۳۶۹). روشهای جامعه‌شناسی (ترجمه عبدالحسین نیک-گهر). تهران: انقلاب اسلامی.
- پستم، نیل. (۱۳۷۵). تکنوپولی (ترجمه صادق طباطبایی). تهران: اطلاعات.
- خجسته، حسن. (۱۳۸۰). درآمدی بر جامعه‌شناسی رادیو. تهران: تحقیق و توسعه صدا.

